

**جناب سفیر /سطح روابط کنونی** دو جانبه تهران و پاریس در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را چگونه ارزیابی می‌کنید. آیا از این سطح روابط رضایت دارید یا خیر؟

این سوال خیلی از من پرسیده می‌شود و من یک جواب همیشگی می‌دهم و آن این است که سطح روابط دو کشور رضایت بخش نیست. معنی این حرف این است که سطح روابط بدنیست اما روابط دو کشور هم اکنون در سطحی است که از پتانسیل‌های موجود نهایت استفاده نمی‌شود .مثلا اگر روابط فرهنگی را در نظر بگیریم ، ما دو کشوری هستیم که می‌توانیم مبادلات بیشتری انجام دهیم . البته در این زمینه مشغول انجام فعالیت‌هایی هستیم ولی به اعتقاد من می‌توانیم ده برابر این کارها را انجام دهیم. اینکه چرا ما نمی‌توانیم به این ده برابر برسیم مساله دیگری است که در جای خودش می‌توانیم به آن بپردازیم . در سطح اقتصادی فرانسه چهارمین شریک تجاری ایران است ولی به تلقی من توسعه در جهت گسترش سرمایه گذاری فرانسه در ایران است،یعنی کمک فرانسه به توسعه ایران . در این عرصه خاص مشکلات فراوانی پیش روی ما قرار دارد. از نظر سیاسی ما در برخی جنبه ها خیلی به هم نزدیک هستیم این فرانسه بود که اروپا را تشویق کرد تا اینکه مذاکرات را با ایران شروع کند مذاکراتی که نتیجه‌اش باید بتواند به انعقاد یک پیمان تجارت و همکاری بیانجامد.

ایرانی‌ها هم در مقابل به ما می‌گویند که ما را جزء شرکای خاص خود در اروپا می‌دانند. ولی در عرصه سیاسی، ایران و فرانسه در دو مجموعه خیلی متفاوت قرار دارند. دو مجموعه ای که هنوز میان آنها شکافهای عمده‌ای قرار دارد که باید پر شود. اینها را گفتن تا وضعیت کلی سطح روابط دو کشور را متوجه شوید. البته مسائل دیگری نیز وجود دارد. در اینجا لازم می‌دانم یک جمله دیگر نیز اضافه کنم و آن این است که یک فرصتی دارد به وجود می‌آید که ما دوباره بتوانیم به طور اساسی در روابط خویمان گام برداریم و آن اینکه فرانسه در حال انجام انتخاب ریاست جمهوری خود است متعاقب آن انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود. معنای این حرف این است که ما از اوایل تابستان گروه‌های تازه نفسی در فرانسه خواهیم داشت و این فرصت خیلی خوبی‌است که از آن بهره گرفته شود تا یک جهش جدید در روابط دو کشور آغاز شود و جهشی باشد که در تمام دوره ریاست جمهوری آینده

## امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها از اینکه می‌توانند به ایران ابراز نفرت کنند، لذت می‌برند. ایران برای آنها به یک تصویر تهدید آرمانی تبدیل شده و خیلی به راحتی از آن استفاده می‌کنند

فرانسه از آن استفاده شود.

از پاسخ جنابعالی اینگونه نتیجه‌گیری می‌شودکه از سطح روابط دو کشور رضایت کافی ندارید. حال مواعی‌که باعث توقف روابط تهران و پاریس در این سطح شده به نظر شما کدامند. آیا این مواع بیشتر از طرف فرانسه است یا ایران؟

مواعی‌که من می‌خواهم بشمارم، مواعی‌است که از جانب ایران می‌بینم. شما می‌توانید همین سوال را از سفیر ایران در فرانسه پرسید و از وی مواعی را که از جانب فرانسه در این رابطه وجود دارد، بشنوید البته من هم می‌پذیرم که مواعی از طرف فرانسه وجود دارد. من تجربه روز مره ام را با شما در میان می‌گذارم. در طول روز با جنبه‌های مثبتی از روابط دو کشور روبه رو می‌شوم که لازم نمی‌بینم آنها را بگویم، بلکه مواعی‌را که وجودمن برای حل کردن آنهاست، ذکر می‌کنم. اگر با همان تقسیم بندی که در سوال قبلی داشتیم بخواهیم ادامه بدهیم، از عرصه فرهنگی آغاز می‌کنیم. در این عرصه ما علاقه مندیم که در ایران حضور و فعالیت بیشتری داشته باشیم، از جمله اینکه مرکز فرهنگی خود را در ایران باز نمایم. اما طرف ایرانی به ما می‌گوید آن رژیم حقوقی‌که اجازه باز شدن چنین مرکزی بدهد، وجود ندارد. از طرف دیگر جنبه حقوقی این قضیه ترجمان بعد سیاسی آن است. البته دوستان ایرانی ما توضیح داده‌اند که آمادگی دارند تا مراکز فرهنگی خارجی در ایران به عنوان نشانه‌ای برای علاقه‌مندی و زمینه‌ای در جهت گفت‌وگوی تمدن‌ها باز شوند.

بنابراین ما بی‌صبراانه منتظریم تا متون قانونی‌که به ما اجازه ایجاد مراکز فرهنگی بدهد، تصویب شود و اگر چنین اتفاقی بیفتد، سطح روابط فرهنگی ما ارتقا پیدا خواهد کرد و این ارتقانه یک پله بلکه یک طبقه خواهد بود. البته نکته‌نمائد که ایران در پاریس مرکز فرهنگی دارد.

فکر می‌کنم مقامات ایرانی مواعی را که در زمینه اقتصادی باید مرتفع شود، به خوبی می‌شناسند و سعی می‌کنند آن را برطرف نمایند. در این مورد هم مانع اصلی این است که ایران باید مبانی حقوقی خود را با توقع جهانی همسطح نماید. یعنی ایران به سازمان تجارت جهانی ملحق شود و مقرراتی را که در این رابطه هست باید بپذیرد. یعنی استقرار یک نظام حقوقی که از مالکیت معنوی حفاظت نماید و کسانی که فن یا دانشی وارد ایران می‌کنند، مطمئن باشند که آن فن و دانش طبق قانون ایران محفوظ است و یک نظام حقوقی‌که برای سرمایه گذاری مساعد باشد، تصویب شود و به سرمایه گذاران خارجی تضمین داده شود که اگر با مواع و مشکلاتی روبه‌رو شوند ، مقررات حقوقی وجود داشته باشد که به آنها امکان دفاع از خود را بدهد. البته من با این صحبت‌ها قصد ندارم به مقامات ایرانی هیچ درسی بدهم و مقامات ایرانی خیلی بهتر از من به این مسائل آگاه هستند و به طور جدی برای رفع مواع تلاش می‌کنند. ما هم می‌دانیم برطرف شدن این مواع کار یکی دو روز نیست



فرانسه از جمله کشورهایی است که تاریخ روابط ایران با آن به گذشته‌های دور برمی‌گردد. این روابط اغلب گرم بوده است، اما این گرمی به معنای نداشتن تنش نیست. روابط تهران -پاریس در مواردی به علت تبعیت فرانسه از اتحادیه اروپا تنزل پیدا کرده، اما بار دیگر پاریس در تقویت روابط خود با ایران در مقایسه با سایر اروپایی‌ها سبقت می‌گرفت؛ به گونه‌ای که جایگاه فرانسه در گفت وگوهای ایران و اروپا نیازی به توضیح ندارد. علاوه بر این پاریس دارای دیدگاه‌های مشترکی با ایران در برخی زمینه‌های مهم از جمله مقابله با تک قطبی شدن جهان است. فرانسه از مخالفان تحریم امریکا علیه ایران و از منتقدین عنوان «محور شرارت» است. با توجه به اهمیت و جایگاه فرانسه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نیز تحولاتی که اخیرا در این کشور یعنی انتخابات ریاست جمهوری به وجود آمده با جناب «فرانسوا نیکولو» سفیر محترم فرانسه در تهران گفت وگویی انجام داده‌ام که در پی می‌آید.

## سفیر فرانسه در گفت‌وگوی اختصاصی با آفتاب یزد:

# از سطح روابط تهران-پاریس

# ناراضی‌ام

**گفت وگو : ناصر پورحسین**

به همین دلیل فرانسه در مورد اینکه نمایندگی ایران در امریکا و نمایندگی امریکا در ایران فعالیت ندارد، اصلا خوشحال نیست. یقین دارم اگر رابطه ایران و امریکا برقرار شود، خیلی از مسائل کم کم حل می‌شود.

**اظهارات جرج بوش درباره قراردادن ایران همراه با کره شمالی و عراق در محور شرارت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

سخنان جرج بوش درباره محور شرارت که ما فرانسوی‌ها و اروپایی‌ها کمترین موافقتی با آن نداریم، ایرانی‌ها را نگران کرده و برای آنها توهین آمیز و شوک آوراست؛ ولی از آن طرف هم فقدان رابطه عملا به وضعیتی رسیده که اساسا وضعیت بدی است. تصور می‌کنم که وضعیت به ضرر ایران باشد، چرا که عملا ایران کم کم به هدف ایده‌آل امریکایی‌ها تبدیل شده است. البته منظورم هدف نظامی نیست ولی ایران به عنوان هدف دشمنی‌ها، کینه‌توزی‌ها و حملات دیپلماتیک امریکا برگزیده شده است. این صحبت ما رابه قضیه اسرائیل برمی‌گرداند. می‌خواهم بگویم وضعیت به جایی رسیده که امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها از اینکه می‌توانند به ایران ابراز نفرت کنند، لذت می‌برند. ایران برای آنها به یک تصویر تهدید آرمانی تبدیل شده و خیلی به راحتی از آن استفاده می‌کنند. واقعیت این است که این تهدید یک تهدید جدی نیست ولی ایران هم خیلی‌تحرك دارد و همین عامل باعث می‌شود که به راحتی ایران را به عنوان یک مترسک تکان داده و بگویند این تهدید است و بعد از آن کلی بهره‌برداری کرد. و این خیلی به کار اسرائیل می‌آید چون او برای اینکه بتواند روابطش را با امریکا به طور مستحکم نگه دارد، نیازمند آن است که بقبولاند که همیشه در معرض خطر و تهدید است.

لذا من فکر می‌کنم هر حرف، کلمه و سخنانی که در آن یک مقدار تهدید علیه اسرائیل باشد، اسرائیل به راحتی از آن بهره‌برداری می‌کند تا روابط خود با امریکا را مستحکم‌تر نماید. البته منظورم از این صحبت‌ها این نیست که ایران به قلب مساله خاورمیانه تبدیل شده بلکه ایران اتفاقا یک کشور حاشیه‌ای در مسائل خاورمیانه می‌باشد ولی در عین حال که در حاشیه قرار دارد اقتدر وزنه دارد که بتواند سنگینی آن احساس شود.

**موضوع را کمی به اسرائیل متمرکز نمایم . در خلال بحران کنونی‌خاور میانه و دقیقا منظورم حمله اسرائیل به سرزمین‌های فلسطینیان در کرانه باختری است، نمایندگان اتحادیه اروپا که فرانسه نیز جزء آن است قصد داشتند در حل این بحران مشارکت کنند به این منظور نمایندگان آنها می‌خواستند با یاسر عرفات رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین دیدار کنند، اما با ممانعت اریل شارون مواجه شدند. متعاقب آن اروپا اعلام کرد که اسرائیل را از نظر تسلیحاتی تحریم می‌کند. عدم اجازه شارون به نمایندگان اروپا نوعی اهانت اعلام شد و گفته می‌شد که اروپا از طرف اسرائیل تحقیر شده است، اما اروپا با زهم می‌خواهد با اسرائیل مذاکره نماید. این مساله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

البته قبل از هر چیز یادآور می‌شوم آن دسته از کشورهای اروپایی که می‌توانند به اسرائیل اسلحه بفروشند، عملا این کار را انجام نمی‌دهند و هیچگونه همکاری نظامی بین اسرائیل وهیچ یک از کشورهای اروپایی وجودندارد ؛ لذا این مساله وجود ندارد و می‌شود به فکر انجام روش‌های دیگر از جمله تحریم اقتصادی علیه اسرائیل بود. ما فرانسوی‌ها همیشه تلاش می‌کنیم که کار به اعمال مجازات نشود. زیرا اعتقاد ما براین است که نصب سیستم اعمال مجازات بیش از آنکه سودمند باشد، مضر است و وضعیتی را پدید می‌آورد که اوضاع بدتر می‌شود و نمونه‌آن مساله عراق و ایران است.

**جناب سفیر نظر تان در مورد حصر یاسر عرفات توسط اسرائیل و تشکیل دولت مستقل فلسطینی چیست؟**

از وقتی که عرفات در مقر خودش در محاصره اسرائیل قرار گرفته و تنها وسیله ارتباطی او باجهان بیرون تلفن همراه او است. تمام جهان مشروعبت وی را پذیرفته‌است و این خودش یک دستاورد مثبت قضیه تلقی می‌شود. زیرا قبل از این حادثه خیلی‌ها در مشروعبت مقام عرفات شک داشتند و من خیلی خوشحالم که ایران هم بالاخره بدون هیچگونه تردیدی مشروعبت عرفات را پذیرفته‌است؛ مشروعبتی که هیچ‌گاه مافراسوی‌ها در مورد آن شک نداشتیم.

**در مورد تشکیل دولت مستقل فلسطینی چطور؟**

موضوع فرانسه در این باره در دهه ۷۰ میلادی اعلام شد. در آن زمان فرانسه گفت ، فلسطینی‌ها باید یک دولت داشته باشند او این دولت در همزیستی مسالمت‌آمیز با اسرائیل زندگی کند و این دقیقا موضوعی بود که فرانسوامپتران در سال ۱۹۸۱ در پارلمان اسرائیل اعلام کرد. ما موفق شدیم که همه اروپا را ناظر خودمان مساعد کنیم . امریکایی‌ها هم این اواخر اصل همزیستی دو دولت را پذیرفتند و کشورهای عرب هم به این موضوع رسیدند و حالا امیدواریم که کل جامعه جهانی به این راه حل سیاسی ملحق شود و صلح به منطقه برگردد البته باین توضیح که صلح ، هیچ‌وقت نمی‌تواند عدالت کامل باشد و همیشه نتیجه یک سازش است.

پس از حمله امریکا به افغانستان برای نابودی گروه القاعده و طالبان که بارها از حمله به عراق نیز سخن به میان آمده‌است با توجه به اینکه فرانسه به نوعی در ائتلاف حمله به طالبان دخالت داشته است و با توجه به مواضع پاریس درباره لغو تحریم‌ها علیه بغداد ، آیا با حمله امریکا به عراق موافقت و در صورتی که امریکا دست به این اقدام بزند، فرانسه چه موضعی خواهد گرفت ؟



ما اساسا با هر گونه راه‌حل یکجانبه نگرانه مساله عراق مخالفیم؛ این هم ناگفته نماند که تهدید علیه عراق فوری نیست . چون سرنگونی عراق با توسل به زور کارآسانی نیست و حداقل خیلی سخت‌تر از سرنگونی طالبان خواهد بود. این موضع اصولی ماست و از طرف دیگر باید به این نکته اشاره کرد که اگر صدام حسین مصر باشد که همچنان خودش را از جامعه جهانی طرد شده نگه دارد و برخلاف جامعه جهانی عمل کند و هیچ کدام از قطعه‌نامه‌های سازمان ملل را نپذیرد، خودش را در وضعیتی قرار خواهد داد که روز به روز دفاع از آن سخت‌تر و ممکن است به وضعیتی برسیم که اگر چه مورد تایید فرانسه نخواهد بود ولیکن فرانسه هم نتواند کاری انجام دهد. می‌خواهم گریزی به خود فرانسه بزنم. البته اگر اجازه دهید بر خلاف تمام نظرسنجی‌ها که نشانگر آن بود ژاک شیراک ولوبلن ژوسپن به دوردوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه راه می‌یابند ، ژان ماری لوپن همراه با شیراک به دور دوم انتخابات راه یافت و سوسیالیست‌ها که یک وزنه سنگین در صحنه سیاسی فرانسه هستند، حذف شدند. خارج از بازتاب این نتیجه در داخل فرانسه که برخی از نشریات معتبر آن را به زلزله سیاسی تشبیه کردند، در سطح اروپا نیز واکنش های متفاوتی را برانگیخت. برخی‌ها از بازگشت فاشیسم صحبت کردند و... این بازتاب را چگونه تحلیل می‌کنید؛ آیا در پاسخ به نتیجه یک انتخابات دموکراتیک چنین موضع‌گیری‌هایی قابل پذیرش است ؟

من هیچ مشکلی ندارم که در باره انتخابات فرانسه صحبت کنم. برعکس خیلی‌هم خوشحال هستیم که همه دنیا سعی می‌کند که این پدیده را تحلیل نماید و برای خروج از بحران کمک کند. زندگی دموکراتیک یک دریاچه خفته و یک دریای آرام نیست. این دریاگاهی آرام و گاهی طوفانی است یک دموکراسی آزاد می‌تواند سرشار از بحران‌ها باشد. تصور می‌کنم راه درست این نیست که سعی شود جلوی بحران گرفته شود زیرا بحران همیشه به وقعی می‌پیوندد بلکه باید کوشید وقتی بحران پیش آمد به آن فائق شد. رسیدن آقای لوپن به دور دوم حادثه تلخی است و مثل هر حادثه‌ای بخشی از آن کاملا قابل پیش‌بینی بود و بخشی هم نه .

آن جنبه تصادفی‌که نمی‌شود درباره آن پیشگویی کرد، این بود که ۱۶ کاندیدا در این انتخابات شرکت داشتند نتیجه‌اش پراکندگی آرا بود نتیجه‌این شد که اختلاف آرای‌سه نفر اول یعنی شیراک، لوپن و ژوسپن ۲ و حتی یک درصد باشد، یعنی معنای این حرف این است که اگر مثلا تعداد کاندیداهای راست ، یک نفر بیشتر بود که مقداری از آرای شیراک را می‌گرفت یا تعداد کاندیداهای چپ یک نفر کمتر بود که از آرای ژوسپن نمی‌کاست شاید نتیجه برعکس می‌شد. مثلا من دارم به یک نامزد خیلی خاص دست راستی فکر می‌کنم که در آخرین لحظات نامزد نشد ولی اگر شده بود ممکن بود که شیراک نفر سوم می‌شد ولی همه چیز دست تصادف بود و بخشی از آن قابل پیش بینی‌است. جنبه قابل پیش‌بینی آن که روز به روز در فرانسه و غرب شدیدتر می‌شود و جای بیشتری می‌گیرد، مساله امنیت افراد است و قلب مبارزه تبلیغاتی که نامزدهای انتخاباتی در فرانسه داشتند، همین مساله امنیت شخصی و فردی بود؛ وقتی مساله امنیت شخصی به قلب مبارزات انتخاباتی تبدیل شد، بدیهی‌است که این به سود آقای لوپن تمام شود. چون وی بیست سال است که اصل مبارزه سیاسی‌خود را بر این پایه استوار کرده‌است .

باید با احتیاط فراوان به سراغ اینگونه از مباحث رفت زیرا مباحث بسیار سختی هستند و آنچه که با طرح این مباحث به بازی گرفته می‌شود، ترس و نگرانی‌های افراد است. نظر خودم را خیلی رک و آزاد می‌گویم برای من خیلی قابل تاسف است که موضوعی به این مهمی‌که مستلزم یک کار درازمدت و مساله مهمی‌است نمی‌تواند مورد وفاق همه طرفداران دموکراسی قرار بگیرد. متاسفم از اینکه یک پیمان جمهوری‌خواهانه وجود ندارد که بیااید و تمام طرفداران دموکراسی خارج از دعوای سیاسی به این موضوع بپردازند و شاید این حرف نشانه ساده لوحی من باشد و در سیاست نتوان به سادگی به یک پیمان دموکراتیک رسید. جالب این است که ببینیم این بحران را چگونه پشت سر می‌گذاریم . این خبر فقط دنیا را هیجان ده نکرد،

## اگر صدام حسین همچنان مصر باشد که بر خلاف جامعه جهانی عمل کند ممکن است به وضعیتی برسیم که اگر چه مورد تایید فرانسه نخواهد بود ولیکن فرانسه هم نتواند کاری انجام دهد

بلکه خود فرانسوی‌ها را هم هیجان زده کرد. می‌شود تصور کرد که درواکنش به این کار یک جنبش برای دفاع از دموکراسی به وجود بیاید که قطعا آقای شیراک در دوردوم، رئیس جمهور فرانسه خواهد شد.

نکته دیگری قابل ذکر است و آن اینکه حالا در وضعیتی که پیش آمده ، انتخابات پارلمانی که پیش روست نقش آن برای حسن کارکرد نظام دموکراتیک خیلی‌مهمتر از انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود این انتخابات تا یک ماه دیگر برگزار می‌شود. موضوع خیلی مهم این است که مجلسی‌که از این انتخابات بیرون بیاید، یک مجلس دموکراتیک و جمهوریخواه باشد که در آن تعداد نمایندگان راست افراطی حداقل ممکن باشد. فکر می‌کنم این خطر منتفی است که راست افراطی در این انتخابات اکثریت مطلق را به دست آورد اما این خطر وجود دارد که تعداد نمایندگان راست افراطی که وارد مجلس می‌شوند، آن قدر باشند که بتوانند ایجاد مزاحمت کنند و دولتی که بر سر کار خواهد آمد را آسیب‌پذیر کنند. این مشکلی‌است که مردم فرانسه در پیش رو دارند و مطمئنم که مردم فرانسه می‌تواند راه حلی برای آن پیدا کنند.